



شرح دعای سی و سه صحیفه سجادیہ

"طلب خیر"

نویسنده و محقق: فاطمه پورشفیع

تیر ۹۷

كَانَ، مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ:

دعای حضرت در طلب خیر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ،

بارها ، همانا من طلب خیر می کنم از علم و دانایی تو_ آن کسی که از او استخاره گرفته ایم خداست و تمام عالم در اختیار اوست. ما باورمان نشده است که: لا موثر فی الوجود الا الله. در این دعا می گوید آن انقیاد را به ما الهام کن تا ناخودآگاه در وجود تمایل به پذیرش باشد.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْضِ لِي بِالْخَيْرَةِ

با درود بر محمد و آل محمد ، بار الها برایم حکم به خیر کن.

ما باورمان نشده است که: لا موثر فی الوجود الا الله. در این دعا می گوید آن انقیاد را به ما الهام کن تا ناخودآگاه در وجود تمایل به پذیرش باشد.

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ،

و بارها، با طلب خیر کردن از تو، بر ما الهام کن شناخت بهترینها را که تو برایمان اختیار کرده ای، و معرفت خیریت را به ما الهام کن و بفهمان. (یک وقت هست که می دانم خدا خواسته است من فلان کار را انجام دهم و یقین دارم این خیر است اما معرفت خیریت را ندارم یعنی نمی دانم خیریتش چگونه است من قبول کرده ام که این کار برای من خیر است اما معرفه الاختیار ندارم لذا خرابش می کنم. چون شناخت خیریتش را نمی دانم خرابش می کنم. اگر معرفه الاختیار نداشته باشیم به حسن عاقبت نمی رسیم برای آنکه چشم بسته کار را انجام داده ایم)

وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْبَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا

و بار الها، آنرا (نتیجه استخاره) وسیله خشنودی به آنچه برایم مقدر کرده ای قرار ده. (طلب خیر از خداوند، نتیجه ای جز تسلیم در برابر این مشورت نیست. در نظر باید داشت که ،

"عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید(بقره، آیه ۲۱)

وَ التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَأَرْخُ عَنَّا رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ،

و آنرا تسلیمی در برابر حکم خود قرار ده بدون شک و ریب و تردید.

(کسی که طلب خیر و دفع بلا و شر را قبل از آغاز به کار داشته باشد دعای او به لطف خداوند حتماً مستجاب است و هیچ گونه تردیدی در آن نمی توان داشت.

امام صادق(ع) می فرماید: آنگاه که مؤمن در کارها طلب خیر کند خداوند حتماً خیر را برای او فراهم می سازد.

درخواست خیر در هرکار با اینکه به سرعت و با کمترین تشریفات انجام می گیرد، ولیکن بزرگ ترین نتیجه را که همان استجابت باشد در پی دارد لذا کسانی که در پی یافتن دعاهاى مستجاب می باشند بدانند که یکی از دعاهاىی که به هیچ وجه رد نمی شود و در پیشگاه خداوند مقبول است همین درخواست خیر قبل از کارهاست(سایت حوزه)

فراز سوم:

وَ أَيْدِنَا بِبِقِينِ الْمُخْلِصِينَ.

ما را تأیید نما به یقین خالص، (وقتی استخاره و طلب خیر از خداوند می کنی باید یقین خالص را در لا به لای استخاره جستجو کرد که زیرش نرنی.)

و لَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيْرْتَنَا فَنَنْعِمَ بِقَدْرِكَ،

ما را دچار عجز معرفتی نکن در برابر آنچه که تو برایم اختیار کرده ای ، تا آنجا که قدر تو را سبک شماریم.

تشخیص خوب از بد و خیر از شر کار آسانی نیست. برای هرکس میسر نیست که آنچه در واقع، سعادت اوست دریابد و از آنچه مایه هلاکت است دوری کند، زیرا بسیاری از اوقات، بر اثر اعمال خود استحقاق بلاهای ناگهانی را پیدا می کند. خداوند او را در کارها به خود وا می گذارد و لحظه ای که انسان از رحمت خداوند دور باشد از بلیات و افتادن در راه هلاکت و شر در امان نخواهد بود. تنها راه علاج رهیدن از بلاها و راه یافتن به سعادت و خیر، در توجه به خداوند و درخواست خیر از او نهفته است. بنابراین جلب مصلحت و رسیدن به سعادت واقعی در گرو دل سپردن به حق و درخواست خیر قبل از انجام هرکاری است.

امام صادق(ع) می فرمایند: کسی که بدون توجه به خداوند و درخواست خیر در کاری وارد گشت اگر موفق نگردد و یا بلایی به سراغ او آمد، جز خود را ملامت نکند.

و نیز امام صادق(ع) می فرمایند: خداوند فرموده "از علامت شقاوت و بدبختی بنده من آن است که کارها را انجام دهد و از من خیر و مصلحت نخواهد" (حوزه نت)

و نَكَرَةَ مَوْضِعَ رِضَاكَ،

مکروه بدانیم جایگاه رضای تو را. (بی توجهی به استخاره انجام شده – نشناختن جایگاه الهی – راضی به قضا و قدر الهی نبودن ، همه و همه خلل وارد شده در یقین انسان است.)

نقل است که موسی گفت: خدایا! مرا به انجام کاری راهنمایی ام کن که اگر انجام دهم به رضای تو دست یابم، خدا وحی فرستاد: فرزند عمران! رضای من در ناخشنودی توست، و تو تاب آن را نداری، موسی سر به سجده نهاد و گریه کنان گفت: خدایا، تو تنها با من سخن گفتی، و با هیچ کس پیش از من اینگونه سخن نگفتی، آیا مرا به انجام کاری که موجب رضا و خوشنودیت هست راهنمایی نمی کنی؟! خداوند وحی فرستاد: «رضای من در رضای تو به خواست و قضای منست» .

امام صادق(ع) می فرماید: « در عجبم از مسلمانی که تمام خواست و قضایی که خداوند برای مقدر می دارد جز خیر برایش نیست، حتی اگر بدن او قطعه قطعه شود، و یا حکومت شرق و غرب را به وی بدهند در هر حال خیر و صلاح او در آنست.» (منبع حوزه)

وَ نَجَحَ إِلَى التِّي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَ أَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ

با دور شدن از رضای خدا، ما متمایل خواهیم شد به چیزی که از حُسن عاقبت دورتر و به ضد عافیت نزدیکتر است. (بیماری روحی و جسمی)

فراز سوم:

حَبَّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ،

محبوب ساز برای ما آنچه از قضای خود را که از آن اکراه داریم .

"و من يتق الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدراً" هر کس پرهیزکاری کند خداوند راه خروجی برای رهایی وی از مشکلات را قرار می دهد و از طریقی که گمان ندارد روزیش را می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند

و کار خود به وی واگذارند خدا برای او کفایت است همانا خدا فرمان خویش را به نتیجه می‌رساند و آنچه را بخواهد تخلف ندارد راستی که خدا برای هر چیزی قدر و اندازه معین تعیین کرده است.

وَ سَهْلٌ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

و سهل و آسان کن بر ما آنچه از حکم تو را سخت می‌شماریم.

افعال و اعمال انسانها در عین اینکه به خداوند منسوب است جبری در بین نیست و با اینکه به انسان نسبت داده می‌شود مستلزم تفویض نمی‌شود.

هیچ کاری نیست که بدون شعور و علم فاعل به آن انجام بگیرد و همچنین هیچ کار ارادی نیست که فاعل هیچگونه محبت و رضایت و میل به آن نداشته باشد.

پس اگر چه خداوند به تمام اعمال و افعال بندگان علم دارد ولی علم او به افعال انسانها همراه با اختیار آنهاست. خداوند به اینکه ما در فلان زمان قدم به مکانی خاص می‌گذاریم علم دارد ولی علم او به این است که ما به اختیار خود قدم به این مکان می‌گذاریم و در غیر این صورت علم خدا جهل بود. و همچنین اگر انسان مجبور آفریده می‌شد و از خود اختیار و اراده ای نداشت آنگاه پاداش و عقاب معنایی نداشت و انسانها باید به خاطر انجام گناهی که در انجام آن هیچ اختیار و اراده ای نداشته اند عقاب شوند و به خاطر کار نیکشان پاداش داده شوند و این خلاف عدل الهی است.

شهید مطهری، مرتضی؛ عدل الهی، انتشارات صدرا، موسسه چاپ فجر؛ مهر ۸۵ مطابق رمضان ۱۴۲۷؛ ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
شهید مطهری، مرتضی؛ انسان و سرنوشت. ص ۳۷ تا ۴۱ و ص ۸۸ تا ۹۷)

عمل استخاره در جایی صورت می‌گیرد که الف - عمل در اختیار ما است و کننده کار ما هستیم نه خدا.
ب - عمل دو طرف، یا چند طرف دارد که ما نمی‌دانیم خیر ما در کدام جانب قرار دارد. در چنین جایی مسئله، مسئله تغییر قضا و قدر نیست، بلکه مسئله آن است که خداوند به ما کمک کند و راهی را که به خیر ما می‌انجامد، به ما نشان دهد تا با عمل کردن به آن از خطرات احتمالی نجات یابیم در این معنا استخاره موجب تغییر تقدیر الهی نخواهد شد.

پس آنچه بزرگان دین فرموده‌اند: که یکی از عوامل تغییر قضا و قدر، دعا می‌باشد، استخاره نیز که خود نوعی دعا هست از اسباب ایجاد و تغییر قضا و قدر خواهد بود.

رابطه استخاره و قضا و قدر:

اما آن چه مهم است درک کیفیت ارتباط استخاره با قضا و قدر می باشد. اگر مراد از قضا، قضاء حتمی باشد، ظاهراً استخاره نقشی در تغییر آن نمی تواند داشته باشد، حتی اگر استخاره را نوعی دعا به حساب آوریم. اما اگر قضاء غیر حتمی، یا همان قدر باشد و ما استخاره را نوعی دعا به حساب آوریم نقش استخاره فقط در حد دعا خواهد بود که می تواند موجب تغییر تقدیر گردد. اما ظاهر امر این است که استخاره به مشورت نزدیک تر است تا دعا. منتهی طرف مشورت ما در این امر خداوند است. چون عمل استخاره در جایی صورت می گیرد که الف - عمل در اختیار ما است و کننده کار ما هستیم نه خدا. ب - عمل دو طرف، یا چند طرف دارد که ما نمی دانیم خیر ما در کدام جانب قرار دارد. در چنین جایی مسئله، مسئله تغییر قضا و قدر نیست، بلکه مسئله آن است که خداوند به ما کمک کند و راهی را که به خیر ما می انجامد، به ما نشان دهد تا با عمل کردن به آن از خطرات احتمالی نجات یابیم. در این معنا استخاره موجب تغییر تقدیر الهی نخواهد شد. (سایت راسخون)

وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئِكَ

الهام کن بر ما ، گردن نهادن به آنچه را که بر مبنای مشیّت خود بر ما وارد ساخته ای.

استخاره به معنای راهیابی به واقع، گشایش و انتخاب راه و به اختیار خدا گذاشتن کار است. گویا، از خداوند خواسته می شود راهی را که صلاح می داند و خیر خواهان در اوست را از طریق قرآن کریم به وی بنمایاند. در دو معنای نخست، خواهان خیری در خود نمی بیند و بر آن است تا خیری را از خداوند با تعیین مصداق بگیرد؛ اما در معنای اخیر، خواهان استخاره می خواهد بداند خیری را که خداوند برای وی صلاح می داند در کاری که اراده انجام آن را دارد هست یا نه، و به تعبیر دیگر، استخاره علم است و خواهان می خواهد بر آگاهی و دانش خود نسبت به کاری با مشورت با کارشناسی آگاه به امور و معصوم که خطایی در ارایه نظر مشورتی خویش ندارد، بیفزاید و ببیند آیا آن کار شدنی است و خیری در آن است یا نه و در این اصطلاح، واقع نمایی دارد و استخاره در دو معنای نخست، دعا و درخواست خیر از خداوند است.

استخاره خواستن رضایت قلبی و همراه شدن دل است به آنچه تقدیر و خواست خداوند است. این استخاره نیز دعایی است که انسان از خدا می‌خواهد دل وی را با خواسته او یکسان سازد. خواهان در این استخاره نمی‌خواهد قضا را تغییر دهد؛ بلکه می‌خواهد دل خود را تحویل برد.

حَتَّى لَا نُجِيبَ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ،

ما دوست نداریم تأخیر آنچه را که تو تعجیل فرموده ای و دوست نداریم آنچه را که به تأخیر می‌اندازی تعجیل کنی. (مشیت یعنی حرکت بر طبق سنتهای الهی بدون تغییر)

(وقتی انسان راضی به مشیت الهی باشد پس تغییر در مشیت الهی را لازم و ضروری نمی‌داند و مطابق دستورات الهی حرکت می‌کند و مراقب افراط و تفریط در کار هم هست)

وَ لَا نَكْرَهَ مَا أُحِبَّيْتَ، وَ لَا نَتَّخِرَ مَا كَرِهْتَ.

آنچه را که تو دوست داری مکروه نشماریم – و آنچه را که تو کراهت داری انتخاب نکنیم. (این است معنای طلب خیر از خداوند تعالی)

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةً،

خوش عاقبتی و عاقبت روحی و جسمی را بر ما رقم زن

وَ أَكْرَمُ مَصِيرًا، إِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيمَةَ،

بهترین سرنوشت را بر مقدرات ما بنویس- که همانا کرامت تو فایده رسان است.

وَ تُعْطِي الْجَسِيمَةَ، وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

چیزهای سنگین عطا می کنی و نعمتهای بزرگ می بخشی و تو بر هر کاری توانا و قادری

احادیث طلب خیر از خداوند:

امام علی(ع) فرمود: اذا مضیت فاستخر- هر گاه آهنگ کاری کردی از خدا طلب خیر کن.(غررالحکم ۹۴۵۳-۲۳۴۶-۳۹۸۸)

امام صادق(ع) فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست که برای کاری که می خواهد انجام دهد یک بار از خدا طلب خیر کند مگر آن که خداوند او را به بهترین آن دو امر (که در انتخاب آنها مردد است) راهنمایی کند.(البحار ۲/۲۵۷/۹۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هر گاه قصد انجام کاری کردی در باره آن هفت بار از خدا طلب خیر کن .سپس بنگر که چه چیز زودتر به دلت خطور می کند ، خیر در همان است یعنی به همان عمل کن.

رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا هممت بأمر فاستخر ربك فيه سبع مراتٍ ، ثم انظر إلى الذي يسبق إلى قلبك فإن الخيرة فيه ، أفعل ذلك(البحار ۱۹/۲۶۵/۹۱)

شرایط استخاره:

۱- عقل و منطق در سنجیدن مسائل

اگر نتوانست تصمیم نهائی را بگیرد:

۲- شور و مشورت با مؤمنان و عالمان دینی

اگر باز مردد بود:

۳- طلب خیر و استخاره

احکام استخاره:

عمل به مؤدای استخاره به لحاظ شرعی الزام آور نیست، در هر صورت می توان بر خلاف آن عمل کرد.

انواع استخاره:

۱- استخاره با نماز؛

امام صادق(ع) فرمود: دو رکعت نماز بخوان و از خدا طلب خیر کن ، زیرا سوگند به خدا که هیچ مسلمانی از خدا طلب خیر نکند مگر آنکه خداوند قطعاً برای او خیر و نیکی قرار می دهد.(وسائل الشیعه ۲۰۴/۵ ابواب صلاة الاستخاره)

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: من صد بار بعد از نماز می گویم "استخیر الله" (مفاتیح الغیب ص ۱۷)

۲- استخاره با قرآن؛

امام صادق (ع) فرمود: به کسی که خدمت ایشان عرض کرد: گاه تصمیم به انجام کاری می گیرم و در باره آن از خدا طلب خیر می کنم اما فکرم به جایی نمی رسد حضرت فرمود: قرآن را باز کن و به اولین آیه ای که چشمت می افتد به خواست خدا عمل کن. (التهدیب ۳/۳۱۰/۹۶۰)

۳- استخاره با تسبیح؛

(سه بار صلوات، سپس میانه تسبیح را بگیر و دو تا دوتا رد کن اگر آخری جفت آمد بد است و اگر فرد آمد خوب است)-(مفاتیح الغیب ص ۵۲=-تفسیر کبیر فخر الدین رازی)
استخاره در امور غیر شرعی نادرست و جایگاهی ندارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

منبع:

میزان الحکمه - ری شهری (۱۵ ج)

سایت حوزه و راسخون

شهید مطهری - انسان و سرنوشت - عدل الهی